

ندارد نباید در یک جایگاه قرار گیرد. اگر خلاف این موارد باشد ومنصب شود، باید اسباب قانونی آن فراهم و حکم آن کامل اجرا شده باشد. اگر در مواردی بر شخصی اشکال مالی وارد است و حکم قضایی (که متأسفانه در مواردی ما این موارد را داریم) یا مشکل نظارتی و حراستی دارد، باید پیش از قرارداد فرد در پست در نظر گرفته وتعیین تکلیف شود. اما در صورتی که مشکلی متوجه فردی نیست و مدت طولانی در پست سرپرستی هستند، بلافاصله احکام آنها صادر شود.» رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای شهر تهران با کنایه گفت: «پست‌های درشت شهرداری بین دوستان همچون غنائم جنگی تقسیم شده است، آنچه در مناطق ونواحی باقی مانده بهتر است به کارمندان شهرداری که توانمندو کاربلد هستند و با مردم ارتباط دارند در نظر گرفته شود.»

▼ سیاه‌چاله مدیریت زمان در شورا

سلیمانی با اشاره به «طرح تحقیق و تفحص از سازمان املاک و مستغلات شهرداری» و «درخواست ویژه و بررسی دقیق موردی از شرکت همشهری» تاکید کرد: «رویه‌ای بر اثر تجربه در نحوه مدیریت شورا توسط مدیریت باسابقه شورای شهر لحاظ می‌شود که مبتنی بر تعریف به‌خصوص زمان است. یعنی برای بعضی از امور زمان فشرده و برای برخی دیگر زمان کش می‌آید. هر چند مصادیق قانون در خط کش زمان که قانونگذار تعیین کرده استانداردهای خود را دارد اما تنوع یادداشت پیشکسوتان که برای بررسی در دسترس هم نیست، فرصت‌های یگانه‌ای برای مواجه شدن با موضوعات از زوایای متعدد است. البته این ظرفیت به‌طور ویژه در اختیار ریاست شورای شهر تهران است. به‌شکل ساده وموردی اگر بخواهم توضیح دهم، یکی طرح سوال بنده از شهردار تهران است. مدت‌ها بعد از طی کلیه فرآیندهای قانونی این سوال متوقف ماند و نهایتاً بعد از چند تذکر و پیگیری به صحن آمد. اردیبهشت سوال را طرح کردم و به اضافه چند تذکر کتبی به هیئت‌رئیس‌ه تقدیم کردم اما بعد از تذکرات و با وجود آنکه قانونگذار ۱۰ روز را برای حضور شهردار معین کرده بود، شهردار ۴ ماه بعد به صحن شورای شهر آمد و جالب اینجاست که در دستور کار صحن ثبت نشد که حضور شهردار تهران برای پاسخ به سوال بنده است. من از پشت این تریبون از رئیس شورای شهر سوال کردم که آیا آقای زاکانی برای پاسخ به سوال من حضور پیدا کردند؟ آقای چمران هم گفتند: بله. اما هیچ وقت در دستور جلسات صحن ثبت نشد و این جای تأمل دارد.» او افزود: «به هر حال اگر بخواهم افق رویداد در شورای شهر را توصیف کنم، بی‌شباهت به نحوه عملکرد سیاه‌چاله‌ها در فضا و تأمل آنها با بازی زمان نیست. تحقیق و تفحص از سازمان املاک ماه‌هاست در حال پیگیری است و تمام مسائل قانونی آن در زمان لازم انجام شده و هدف آن هم اصلاح امور شهرداری و با دوری از تبلیغات و بزرگ‌نمایی است. معطل گذاشتن و جلوگیری از انجام آن (تحقیق و تفحص) با‌بازی در ظرف زمان شایسته شورای شهر تهران نیست. به نظر می‌رسد حاصل ۲۰ جلسه سکوت و مطالعه دقیق من در اوایل شورای شهر از قوانین و فرآیندها و تطابق آن با حقایق شورای شهر تهران عیب‌یابی درستی بوده که در تذکر آیین‌نامه‌ای بنده مشهود است و آن هم عدم تعیین تکلیف و شفاف بودن آیین‌نامه شورااست که تا امروز هم ادامه دارد. اگر افق رویداد رضایت انجام تحقیق و تفحص را داشته باشد انشالله در این روزهای پایانی (دوره ششم مدیریت شهری) شاهد اصلاح در فرآیندهای آسیب‌زای شهرداری خواهیم بود.»

شعار علیه زاکانی مقابل شهرداری تهران

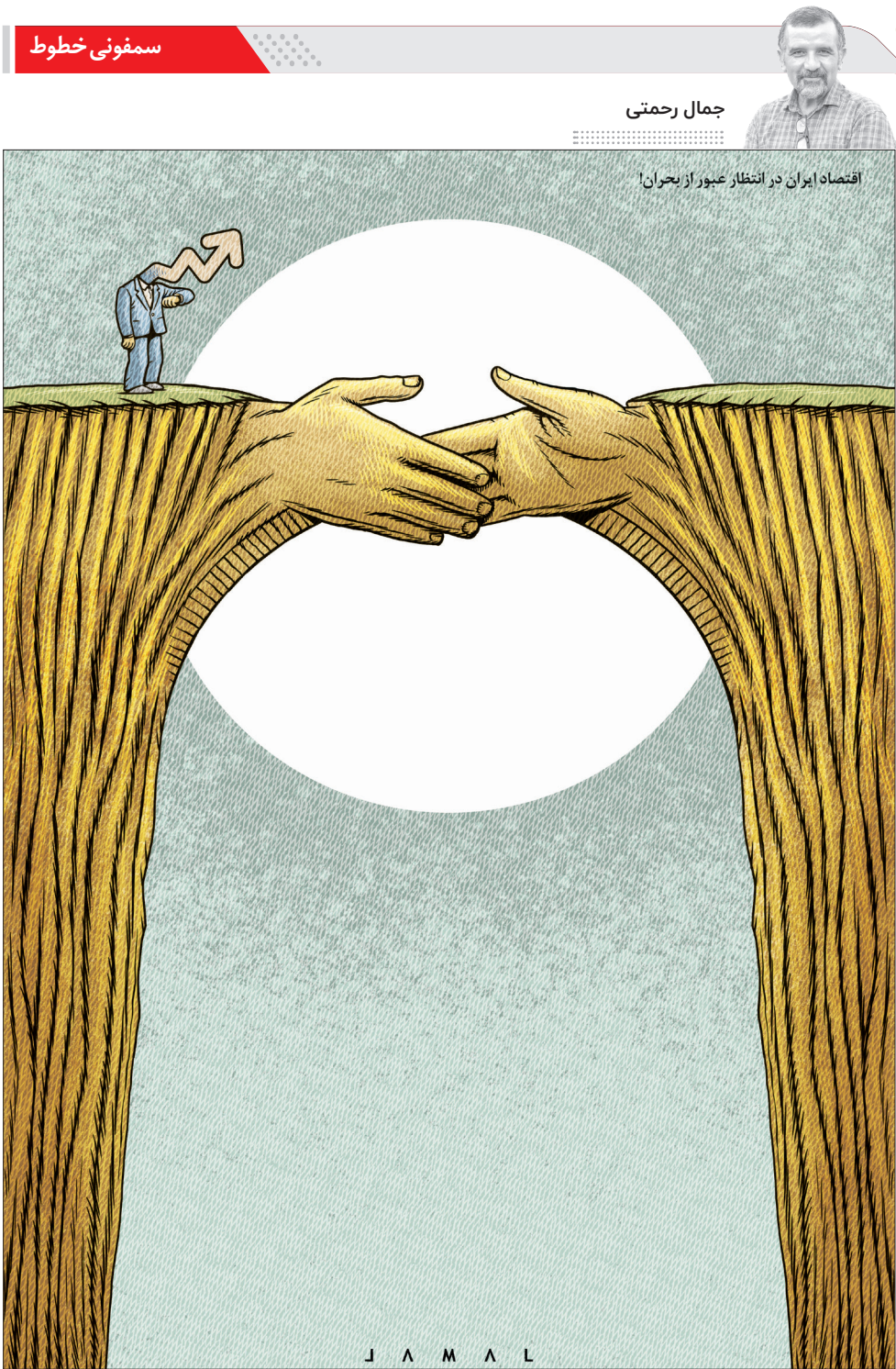
روز گذشته تعدادی از کارمندان شرکت بهره‌بردار مترو (که تعداد آنها کم نبود) ایندا مقابل شورای شهر تهران و پس از آن مقابل شهرداری تهران تجمع کرده و خواستار حق و حقوق خود شدند. تجمع‌کنندگان خواستار پرداخت حقوق بر اساس مصوبه شورای عالی و بدون اعمال سقف غیرقانونی حقوق بودند. همچنین خواستار ابطال اساسنامه جدید شرکت به دلیل عدم رعایت حقوق محاسبه پرسنل و بلاثر شدن آیین‌نامه استخدامی شرکت شدند. آنها شعار می‌دادند: «مدیر بی‌لیاقت نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم»، «زاکانی حیا کن، متروبی را رها کن»، «مشکل ما حل نشه، تجمع بیشتر میشه». کارکنان مترو و راهبران مدت‌هاست که در سکوت و با آرامش دنبال احقاق حقوق خود بودند. اما پیگیری‌های آنان به نتیجه نرسید و برخی از آنها مقابل شهرداری تجمع کردند. تجمع‌کنندگان با هیچ کس مصاحبه نکردند تا این تجمع با حاشیه روبه‌رو نشود. آنها خواسته‌هایی را فریاد زدند اما هیچ یک از اعضای شورای شهر تهران در میان آنها حضور پیدا نکردند. در نهایت شهرداری با آنها به گفت‌وگو پرداخت.

هستند و اینگونه است که روند مذاکرات فراتر از آن چیزی که انتظار می‌رفت، ساختارمند و وارد بحث‌های کارشناسی و جدی متخصصان فنی شده است و از طرف دیگر، جدیت طرفین در اعمال عزم و اراده برای حضور در میز مذاکره و رسیدن به توافق نهایی محک جدی خورده و بازتاب و بازخورد مشخص و قابل سنجش و راستی‌آزمایی برای طرفین مذاکره روی میز قرار گرفته است.

این دور از مذاکرات یک تفاوت معنادار و مشخص با دوره قبلی مذاکرات در دوره برجام و دولت تدبیر و امید دارد. حسن روحانی را به‌واسطه سوابق سیاسی و دیپلماتیک، «شیخ دیپلمات» می‌خواندند و از اساس به‌واسطه همین عقیده و سابقه بود که او توانست به‌راحتی گوی سبقت از رقبا بروده و در سال ۱۳۹۲ بر مسند ریاست جمهوری تکیه‌بزند. هیچ‌کس در کیاست و سیاست و کاربلدی روحانی شک وشبهه‌ای ندارد؛ اما در این میان، یک نکته نباید از نظر دور داشته شود. مسعود پزشکیان به‌سوابق دیپلماتیک دارد و نه سیاست‌ورزی را همچون شیخ دیپلمات بلد است؛ اما می‌توان احتمال موفقیت و کامیابی او در مذاکرات آتی را بیش از دوره روحانی ارزیابی کرد یا حداقل امکان فرجام مذاکرات را بیشتر بهتر از فرجام برجام دانست. پزشکیان از همان برنامه‌ای که به همراه ظرفیت به‌صداوسیما رفت و آن ۸ دقیقه طوفانی ظرف اذهان را به خود معطوف داشت، بحت تعامل سازنده با جهان را منوط و مربوط به انسجام داخلی کرد؛ طر ح‌ی که با ظرفاقت خاص و اعتمادسازای گام‌به‌گام پیش برد و یک وحدت و حمایت بی‌سابقه در ارکان حکومتی ایجاد کرد. او توانست چراغ سبز رهبر انقلاب را به مذاکرات اخذ کند و بر خلاف روحانی که گاهی با اصطکاک افزایی و مشاجرات و کنایه‌های تند پشت تریبون با ارکان ساختاری و منتقدان مذاکره بر چالش‌ها می‌افزود و فضا سوبه دوقطبی می‌یافت و حتی بحث منازعه میان میدان و دیپلماسی به جای تعامل و همنوایی نقل محافل سیاسی و رسانه‌ای شده بود، نظر مساعد همه ارکان اصلی در ساخت قدرت سیاسی را جهت هم‌افزایی در فرآیند مذاکره همراه کرده است. در این زمینه، نقش آفرینی مثبت و

▼ لزوم انتخاب مجدد شهرداران در این دوره

اما تحقیق و تفحص تنها موضوعی نبود که در شورای شهر روز گذشته مطرح شد. مهدی اقراریان، عضو رئیس کمیته نظارت شورای شهر تهران به مصوبه مجلس درباره تمدید ۱۰ ماهه شوراها پرداخته و ادامه فعالیت زاکانی در شهرداری تاکید کرد که شهردار تهران بر اساس عملکردش: «با مصوبه مجلس شورای اسلامی، دوره شورای ششم به مدت ۱۰ ماه تمدید شد. یک حادثه اتفاق تلخی در کشور رخ داد آن هم دوران ناتمام ریاست جمهوری شهید رئیسی بود. نگاه‌ها و اختلاف نظرات مختلفی وجود داشت و نهایتاً تصمیم بر این شد که این دوره شوراها تا ده ماه دیگر ادامه پیدا کند. این امر استثنا است. اصل بر این است که دوره شوراها و انتخاب شهرداران برای یک دوره ۴ ساله باشد.» او افزود: «من اصلاحیه مجلس را نگاه کردم. طبق بند یک ماده ۸۰ وظایف شورای اسلامی شهر، شهردار برای مدت چهار سال است. این مسئله مختص تهران نیست بلکه به تمام شوراها در سراسر کشور مربوط می‌شود. اکنون تفسیری وجود دارد که با تمدید دوره شوراها، دوره مدیریتی شهرداران نیز تمدید شود. یعنی آقای زاکانی تا پایان این دوره حضور داشته باشند. البته ما نیز مانند همه کشور تابع قانون هستیم، اما وقتی از نظر حقوقی و شکلی این موضوع را بررسی کردم و این بند یک ماده ۸۰ اصلاح نشده و کماکان به قوت خود باقی است، خواسته من این است که این موضوع هر چه سریع‌تر تعیین تکلیف شود. فرض کنید که آن حادثه تلخ رخ نمی‌داد، ما برنامه چهارساله‌ای داشتیم و آقای زاکانی برای یک دوره ۴ ساله انتخاب شده بود و برنامه‌هایی داشت. با این شرایط انتخابات باید در خردادماه برگزار و سند تغییر وتحول شورای ششم آماده می‌شد تا آن مردادماه شورا به‌منتخبین مردم تحویل شود. یعنی زمان وعده‌ها، قول‌ها و تعهداتی که شهرداری داده قاعداً در این روزها به پایان می‌رسد.» اقراریان با اشاره به اینکه از منظر نظارتی شورا می‌گویم، تاکید کرد: «باور من این است که امروز روز ارزیابی عملکرد، اقدامات و برنامه‌های آقای زاکانی در این دوره چهارساله است. یعنی اقداماتی که او و همکاران‌شان در موضوعات مختلف انجام داده‌اند. البته برخی از ما منتقدین در مورد عملکرد آقای زاکانی اختلاف داریم؛ آن هم در روایتی که از دستاوردها و موفقیت‌های شهرداری مطرح می‌شود. دوستان در شهرداری روایت خود از فعالیت‌هایشان دارند و تلاش می‌کنند با هزینه‌های گوناگون، برنامه‌های تلویزیون، گفت‌وگوهای ویژه خبری و تریبون‌های گسترده‌ای که در اختیار آنهاست، این روایت را به جامعه منتقل کنند. اما وقتی بررسی می‌کنیم، بین واقعیت‌هایی که اتفاق افتاده و روایتی که به‌عنوان دستاورد، موفقیت و اقدامات بی‌سابقه مطرح می‌شود، فاصله وجود دارد. ما نمی‌گوییم اتفاقی نیفتاده. به‌هر حال تعدادی انوبوس با جهت‌گیری شورا بودند چه در نظر گرفته‌شده تهیه شده است. در خواست می‌کنم اقدامات وعده‌هایی که شهرداری داده در این مدت (۴ سال) مورد ارزیابی قرار گیرد. از نگاه جمعی از دوستان در شورای شهر تهران استمرار حضور آقای زاکانی در کرسی مدیریت شهرداری تهران منوط به وعده‌ها و برنامه‌هایی است که در این ۴ سال داده و قرار بوده به آن عمل کند. در مجلس به این مسئله توجه کنند و این فرصت را به شوراها بدهند که اگر شهرداری در این ۴ سال موفق نبود، امکان جابه‌جایی این شهردار در فرصت باقی‌مانده به وجود آید تا در جایی که شهر از ریل خود خارج شده، دوباره به مسیر خود بازگردد.»



جمال رحمتی

اقتصاد ایران در انتظار عبور از بحران!

سمفونی خطوط

نگاه حقوق‌دان

پویش «نه به تصادف»

و ضرورت بازنگری در مجازات‌ها

کنند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد». از جمع این دو ماده بر می‌آید که قاضی جز در موارد ضروری، برای جرم قتل ناشی از تصادف رانندگی نباید مجازاتی بیش از شش ماه را تعیین کند. البته مواد دیگری نیز وجود دارد که به دادگاه اجازه می‌دهد همین میزان مجازات اندک را هم کاهش داده، تعلیق و یا تبدیل به جزای نقدی کند! این را هم در نظر بگیرید که این جرم از جرائم قابل گذشت است و دیه (خسارت) نیز توسط شرکت بیمه پرداخت می‌گردد. در عمل راننده مرتکب قتل، نه خسارت می‌دهد و نه مجازات مؤثری را برای از بین بردن جان دیگری تحمل می‌کند. حتی برای صدور قرار تأمین هم در این موارد قاضی محدودیت بسیاری دارد؛ طبق ماده ۴۹ «قانون بیمه اجباری خسارات وارده‌شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» (۱۳۹۵): «مراجع قضائی مکلفند در دعاوی مربوط به حوادث رانندگی، در صورت وجود بیمه‌نامه معتبر و مکفی و احراز اصالت آن، صرفاً متناسب با جنبه عمومی جرم [شش ماه حبس] برای راننده مسبب حادثه قرار تأمین صادر کنند»، که با توجه به تبصره ۳ ماده ۲۱۷ «قانون آیین دادرسی کیفری»؛ در خصوص این جرم، حتی قرار تأمین وثیقه و حتی کفالت هم شدیدمحسوب می‌گردد!

حالا این مجازات را مقایسه کنیم با مجازات کلاهبرداری و اختلاس که به جای «جان»، موضوع «مال» مطرح است. براساس ماده ۱ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری» (۱۳۶۷) مجازات کلاهبرداری یک تا هفت سال است که با توضیحاتی که داده شد، امروزه می‌شود یک سال (یعنی دو برابر قتل غیرعمد ناشی از تصادف رانندگی)، از سوی دیگر بر اساس تبصره ۵ ماده ۵ این قانون، اگر میزان اختلاس بیش از صد هزار ریال باشد (همان ده هزار تومان که در عابر بانک‌ها هم وجود ندارد و خیلی رایج نیست)، صدور قرار بازداشت موقت برای حداقل یک ماه الزامی است! اینکه قانونگذار برای مال مردم چنین شدت عملی در نظر بگیرد و لسی گرفتن جان مردم، مجازات و دادرسی سبکی داشته باشد، قابل پذیرش نیست. حالا که بحث افزایش جرمه‌های رانندگی مطرح است، از قانونگذار انتظار می‌رود به پویش «نه به تصادف» بپیوندد و قوانین کیفری را در راستای کاهش این جرم فراگیر با انگیزه بازدارندگی، مناسب‌سازی کند.



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

میزان مرگ و میر ناشی از حوادث رانندگی در ایران آمار بالایی را نشان می‌دهد: تعداد جان‌باختگان روزانه ده‌ها نفر و تعداد مصدومین که گاهی دچار معلولیت دائم می‌شوند، چند برابر این میزان است. گفته شده ایران در قعر جدول و در کنار کشور آفریقایی سیرالئون قرار دارد. این وضعیت روزنامه‌نگاران را بر آن داشت تا اسفندماه سال گذشته در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور خواستار توجه جدی مقامات به این فاجعه شوند. خوشبختانه پلیس راهنمایی رانندگی نیز همراهی کرد و در سفرهای نوروزی، میزان تصادفات و حوادث جانی تا حدی کاهش یافت. در نامه سرگشاده بیش از دویست روزنامه‌نگار به رئیس جمهور موارد مختلفی از جمله در خواست «اصلاح قوانین راهنمایی و رانندگی و نظارت بیشتر بر حمل و نقل عمومی» شده بود که موضوع این یادداشت است.

گفته‌شده مجازات واکنش جامعه به پدیده مجرمانه است؛ میان جرم‌شناسان در چگونگی اعمال آن اختلاف‌نظر وجود دارد: جمعی اعتقاد دارند که شدت میزان مجازات اهمیتی ندارد؛ آنچه مهم است قطعی بودن اجرای مجازات‌هاست. اما دسته‌ای دیگر شدت عمل در کیفر را امری بازدارنده و مانع وقوع بیشتر جرم می‌دانند. در ادامه خواهیم دید که در نظام حقوقی ما، مجازات قتل غیرعمد ناشی از حوادث رانندگی نه شدید است و نه حتی اجرای آن حتمی. ماده ۷۱۴ «قانون مجازات اسلامی» (۱۳۹۲) در این زمینه بیان می‌کند: «هرگاه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالایی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسائط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیرعمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود.» این ماده شامل سوانح هوایی نیز می‌شود و در پرونده فاجعه هواپیمای اوکراینی مورد استناد قرار گرفت. از سوی دیگر ماده ۲ «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» (۱۳۹۹) می‌گوید: «چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین